

مطالعه میزان رعایت حق مؤلف (کپی رایت) در گستره فعالیتهای علمی کشور

هادی شریف مقدم* سینا روح الهی** سالومه شریف مقدم***

چکیده

مقاله حاضر حاصل نتایج بخشی از پژوهش انجام شده به منظور بررسی نظرات افراد مختلف درباره رعایت حق مؤلف در ایران است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه در سطح شهر مشهد و گروه بحث الکترونیک در سطح ایران گردآوری شده است. حجم نمونه شامل ۸۴ نفر دانشجو، ۶۶ نفر استادان دانشگاهها، ۳۰ نفر طلبه‌ها و ۲۶ نفر متفرقه و جمعاً ۲۰۶ نفر از گروه‌های فوق‌الاشاره است گروه‌های مختلف نمونه پژوهشی اعلام داشته‌اند که عدم رعایت حق مؤلف در ایران در رشد اقتصادی، فرهنگی و علمی کشور تأثیر دارد. نمونه پژوهش با درصد نسبتاً بالایی اعلام داشته‌اند که سرقت ادبی همانند سرقت مادی است. بیش از ۲۱٪ از پاسخگویان اعلام داشته‌اند که به میزان کم و بسیار کم از تکثیر غیرمجاز احساس گناه می‌کنند. بیش از ۵۰٪ از پاسخگویان بر این عقیده هستند که قانون حق مؤلف در ایران به خوبی اجرا نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: کپی رایت، حق مؤلف، حقوق معنوی، مالکیت فکری، معاهدات

* دانشیار رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه پیام نور مشهد (نویسنده مسئول)

hadisharif20@gmail.com

sinaroohollahi@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

hemoolas@gmail.com

*** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۴

بین‌المللی، حقوق اسلامی.

۱. مقدمه

امروزه از جمله مسائل فرهنگی - حقوقی که باید در کشور بسیار مورد توجه قرار گیرد مسئله کپی رایت یا حق مؤلف است. به این موضوع می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی نگاه کرد؛ نگاه دولت، نگاه شرع مقدس، نگاه دانشمندان، نگاه مؤلفین، استادان دانشگاه، هنرمندان و حتی مردم عادی که تا حد امکان نظرات هر کدام در کشورمان ایران مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در حال حاضر شاهد عرضه لوح‌های فشرده ارزان قیمت فیلم‌های سینمایی در حال اکران، نرم‌افزارهای مختلف رایت شده با قیمت ارزان و بسیاری موارد دیگر در بازار هستیم. وقتی کارگردان فیلمی را با هزینه‌ای گزاف تهیه می‌کند ولی در حال اکران فیلم خود شاهد ارائه نسخه‌های کپی فیلم با قیمتی بسیار نازل در بازار است در نتیجه تهیه‌کننده با توجه به ضرری که کرده دیگر هرگز به فکر ساختن فیلم جدید نخواهد بود و به تدریج نوعی رکود در ساختن فیلم‌های سینمایی در کشور ایجاد شده و خواهد شد. لذا باید به مطالعه عمیق‌تری درباره موضوع حق مؤلف یا کپی رایت پرداخت و به عنوان دغدغه‌ای به آن نگاه کرد، دغدغه‌ای که باید بیش‌از پیش مورد توجه قرار گیرد. به ویژه در زمانی که کشورمان ایران در آستانه برداشتن گام‌های بلند به سوی توسعه و پیشرفت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است و نبود قوانین مناسب و عدم زیرساخت‌ها و پشتوانه‌های اجرایی می‌تواند عامل بازدارنده بسیار مؤثری به سوی توسعه و پیشرفت کشور باشد. حل مسئله کپی رایت علاوه بر مدیریت متمرکز دولت نیاز به عزم ملی دارد تا با فرهنگ سازی، تدوین و تصویب قوانین کامل ملی و بین‌المللی، نظارت دقیق و غیره این مهم در کشور نهادینه شود. این پژوهش برای پاسخ به این سؤال که آیا حق مالکیت فکری و یا حق مؤلف در ایران از دیدگاه افراد و صاحب‌نظران مختلف رعایت می‌شود، انجام شده است.

۲. مبانی و فلسفه حمایت از آثار فکری

فیلسوفان طبیعی در تحلیل روابط حقوقی انسان‌ها همواره به خصصت‌های ذاتی انسان تأکید دارند و علت هر نهاد حقوقی را در یک دستگاه اخلاقی که در یک سوی آن تمایلات و نیازهای انسان و در سوی دیگر آن ویژگی‌های اخلاقی انسان است می‌جویند. آن‌ها در تحلیل رابطه مالکیت به علاقه درونی انسان برای تسلط و تصاحب بر اشیاء و حتی افراد (میل به برده‌کشی و برده‌داری) توجه دارند و علت شناسایی نهاد حقوقی مالکیت را همین میل انسان به اعمال سلطه و حس تمایل به قدرت وی می‌دانند. در نتیجه فارغ از تئوری‌های مختلف در فلسفه حق مالکیت، آن‌ها صرف اشاره به غرایز اخلاقی انسان را برای احترام به حق مالکیت کافی می‌دانند.

اما این خصصت سلطه طلبی چنانچه از تمام افراد یک جامعه ظاهر شود شکی نیست که جامعه، پایدار نخواهد ماند و هرج و مرج امکان زیست را سلب خواهد کرد. این تجربه تاریخ زندگی انسان است و اکنون در قرن ۲۱ میلادی انسان یافته است که بقای زندگی اجتماعی در گرو جمع‌حمایت از مالکیت و در عین حال ضابطه‌مند کردن و گاهی محدود کردن قلمرو آن است.

شناسایی حق مالکیت بین انسان و اشیاء مادی (عین معین) به وسیله تصرف مادی ساده بود و برای جامعه تصور یک رابطه اعتباری بین انسان به عنوان مالک شیء معین ممکن بود، لذا همواره اختلافی در رعایت این حق بر اشیاء مادی لااقل از نظر تئوری وجود نداشت. اگرچه در دوره‌ای محققین کمونیست این رابطه انسان بر اشیاء را به رابطه اجتماع بر اشیاء تعبیر کرده‌اند اما دیری نپایید که مجدداً مالکیت فردی احیاء شده و به هر حال اختلافی در شناسایی رابطه مالکیت به طور کلی وجود نداشت. این مالکیت بر اشیاء مادی در جوامع گوناگون ضابطه‌مند شد و امروز با انبوهی از قواعد و قوانین برای رعایت و احترام به این حق مواجهیم. زیربنای شناسایی این رابطه اعتباری "اماره ید" بود یعنی هر کس مالی در تصرف دارد، مالک آن است.

در قرن شانزدهم میلادی اختلافاتی در غرب ظاهر شد که حاکی از تمایل گروهی از افراد جامعه برای به رسمیت شناختن مالکیت نویسنده بر اثر فکری وی بود. به

عبارتی بار کردن آثار حق مالکیت بر اشیا غیر مادی. "ماری تودور" ملکه انگلیس در سال ۱۵۵۷ امتیازنامه‌ای که بیانگر انتقال حق تکثیر و چاپ کتاب به یک اتحادیه صنعتی نویسندگان بود را اعطاء کرد؛ یعنی پذیرش یک رابطه اعتباری بین فکر نویسنده و اثر فکری وی به عنوان مالکیت! به علت فقدان یک رابطه مادی ملموس و محسوس بین نویسنده و اثر فکری وی در ابتدا پذیرش این حق دشوار می‌نمود؛ اما بنابر فراخور زمانی اروپا در قرن ۱۸ و ۱۷ و توسعه فرهنگ و علوم و به دنبال آن رشد آگاهی عمومی مردم و احترام به فکر و اندیشه انسان، به مرور زمان جامعه نیز توانست این مالکیت را حق مؤلف بداند و همان آثار مالکیت مادی را بر آن بار کند. این آغاز شناسایی حق مالکیت مؤلف بر اثر فکری وی بود اما به تدریج و در طول ۴ قرن تئوری‌های متعددی برای توجیه یا ضابطه‌مند کردن این نوع از مالکیت مطرح شد که چهره این قسم از حق مالکیت را تا حدود زیادی نسبت به مالکیت بر اشیاء مادی، دگرگون کرد.

از آنجا که به عقیده منطقیون، انسان به «حیوان ناطق» تعریف شده و نطق در این بیان چیزی جز تفکر نیست، فصل انسان با سایر موجودات، تفکر بوده و همین تفکر است که زندگی انسانی را نیازمند وجود نظام حقوقی کرده و می‌توان حقوق مربوط به سرمایه‌های فکری را از این جهت مهمترین حق عام بشری در نظر گرفت که از دل آن حقوقی چون آزادی بیان و اندیشه نشأت می‌گیرند.

اما این تفاوت در دیدگاه‌هاست که مبنای حمایت از تفکر را رقم می‌زند و بر اساس همین مبانی است که احکام حقوقی شکل گرفته و عزم جامعه در تحقق این احکام و تطبیق آن‌ها بر موضوعات حادث، جزم می‌گردد. پس برای شناخت احکام حقوقی مالکیت فکری، ناگزیریم نگاهی بنیادین به مبنا و ریشه قابل حمایت دانستن این قبیل حقوق داشته باشیم.

در مبنا و ریشه حمایت از حقوق مالکیت فکری، طیفی از عقاید به چشم می‌خورد که یک سوی آن فردگرایان افراطی و دیگر سوی آن معتقدین به اصالت اجتماع قرار دارند. در این میان بسیاری از قانون‌گذاران در سراسر دنیا ترجیح داده‌اند راه میانه را برگزینند و از افراط و تفریط بپرهیزند.

همچنین دیدگاه‌های نوین و مترقی از فلسفه حمایت از آثار فکری با استفاده از نهادهای حقوق اسلام پیشنهاد شده است؛ ممکن است بتوان مالکیتی برای خود اثر قائل شد و تمامیت حاصل شده از یک اثر مبتنی بر اندیشه را بر آن مسلط دانست به نحوی که عین غیر مادی اثر را حبس شده و منفعت آن را تسبیل گردیده به حساب آورد؛ چنانکه نظیر چنین اندیشه‌ای در بحث وقف در حقوق اسلامی به چشم می‌خورد. در این رویکرد می‌توان ضمانت اجراهای فوق خصوصی، در سطح جامعه بین‌المللی برای حمایت از آثار علمی در نظر گرفت و به نوعی اندیشه را مادامی که باقی است مورد حمایت قرار داد؛ نه اینکه حمایت مادی یا معنوی به دوره بقای پدیدآورنده محدود گردد. لکن نباید فراموش نمود که مجموعه قواعد و قوانین کنونی ایران، با توجه به نظریه‌ای تنظیم گردیده است که اثر را تا مدتی معین در ملکیت اختصاصی پدیدآورنده می‌شمارد و بعد از گذشت مدت مقرر، آن را - به لحاظ مادی - به جامعه تملیک می‌کند.

۳. تعریف حقوق مالکیت ادبی و هنری

از آنجا که بررسی احکام مالکیت‌های فکری فرع و منوط بر شناخت مفهوم صحیح این نوع مالکیت است لازم است به تعریفی دقیق از این حقوق برسیم تا قواعد حاکم بر آن را بر اساس تعریف برشماریم. لذا در زیر تعاریف متفاوتی که حقوق دانان ارائه کرده‌اند، نقل می‌شود و سپس به اختصار به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

استاد دکتر کاتوزیان پدر علم حقوق ایران در کتاب اموال و مالکیت خود در تعریف حق معنوی می‌فرماید: «حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می‌دهد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴)

جعفری لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق در ذیل عنوان حق کار فکری می‌فرماید: «حق انحصاری استفاده از اختراع، امور فکری مربوط به ادبیات، علوم، هنر، خواه به صورت کتبی، خواه به صورت گرافیک و تجسم و امثال آن‌ها؛ و نیز هر چیزی که با یک روش علمی تهیه می‌شود به شرط آنکه معرف شخصیت فکری تولیدکننده آن باشد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۲۴)

دکتر امامی نیز در یک تعریف جامع از حق مالکیت فکری می‌فرماید: «حق مالکیت فکری، اقتدار قانونی ناشی از وجود رابطه اعتباری بین اثر فکری و صاحب اثر است که به موجب آن صاحب اثر، در زمان حیات خود و قائم مقام وی، از جمله ورثه قانونی، بعد فوت صاحب اثر تا مدتی معین از حق مادی اثر بهره‌مند خواهند شد ولی اقتدار و اعتبار معنوی اثر دائمی است.» (امامی، ۱۳۸۶: ۳۵)

یکی دیگر از نویسندگان پس از اشاره به ابعاد مختلف مالکیت‌های فکری، این‌گونه می‌نویسد که «حقوق مالکیت معنوی مجموعه‌ای از اصول و آیین‌ها و قواعدی است که در هر نظام حقوقی به صورت عرفی یا قراردادی شکل گرفته است تا به وسیله آن‌ها، آن دسته از اندیشه‌های انسانی که هم تجلی خارجی داشته و هم ارزش مالی دارد، ضابطه‌مند گردیده و بدین وسیله هم صاحب اندیشه مورد حمایت قرار گیرد و هم امکان بهره‌مندی جامعه از آن اندیشه فراهم شود.» (رئسی، ۱۳۸۸: ۱۴)

در این میان برخی از اندیشمندان حقوق بر این باورند که «منظور از حقوق فکری حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی است و موضوع آن شی مادی نیست. موضوع این حقوق در واقع اثر فکری انسان است.» (صفایی، ۱۳۵۰)

۴. ویژگی‌ها و تفاوت‌های حقوق مالکیت فکری

از مجموعه تعاریف فوق بر می‌آید که حق مالکیت فکری نوعی اقتدار پدید آورنده بر اثر فکری است که سبب ایجاد یک حق عینی بر اثر می‌شود. مهم‌ترین ویژگی حق عینی قابلیت استناد به آن در برابر دیگران است. از آثار این نوع حق، داشتن حق تعقیب است بدین توضیح که «صاحب آن می‌تواند مال خود را در دست هرکس بیابد مطالبه کند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۹)

از طرفی چون این رابطه بین پدیدآورنده و اثر را مالکیت دانستیم لذا می‌توانیم اوصاف آن را بر این حق بار کنیم هر چند به علت ویژگی‌های خاص موضوع این مالکیت نتوان تمام این اوصاف را منطبق با مالکیت‌های فکری دانست؛ برای مثال مالکیت حقی است مطلق، انحصاری و دائمی.

مطلق بودن حق مالکیت به معنای «حقی است که به مالک اختیار انتفاع و تصرف را در حدود قوانین می‌دهد.» (همان، ۱۰۶)

همچنین عینی بودن حق مالکیت فکری نیز نتیجه مطلق بودن مالکیت است. اصل ۴۷ قانون اساسی و ماده ۳۰ قانون مدنی نیز به این ویژگی حق مالکیت اشاره دارند. «مالکیت حقی است انحصاری زیرا مالک حق دارد منحصراً از مال خود بهره‌مند شود و از تصرفات دیگران در آن جلوگیری نماید، هرچند که این تصرفات هیچ ضرری به حال او نداشته باشد.» (صفایی، ۱۳۸۷: ۱۶۹)

دائمی بودن حق مالکیت نیز حاکی از آن است که اولاً تا موضوع حق مالکیت باقی است این رابطه مالکیت نیز متصور است و ثانیاً «حق مالکیت در اثر معطل ماندن مال از بین نمی‌رود.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۱۰)

۴.۱. تفاوت اوصاف مالکیت سنتی با مالکیت‌های فکری

ابتدا لازم است توضیح داده شود که اشاره به تفاوت مالکیت بر اشیاء مادی و مالکیت معنوی به معنای سلب رابطه حقوقی مالکیت بین آثار فکری و پدید آورنده آن‌ها نیست. در واقع آنچه ابتدا وجود داشته و تلاش شده از آن نهاد برای توجیه حقوق پدیدآورنده استفاده شود مالکیت سنتی بوده است و به مرور زمان و با توجه به خصوصیات آثار فکری اوصافی برای حمایت مناسب‌تر از پدیدآورنده یا اثر فکری به این نوع از مالکیت افزوده شد و سبب شده که امروزه مالکیت معنوی چهره متمایزی نسبت به مالکیت سنتی به خود بگیرد. لذا تأکید بر تفاوت این دو نوع مالکیت به معنای توجه بیشتر به خصوصیات این نوع جدید از مالکیت است تا در هنگام تفسیر و در مقام حمایت از پدید آورنده این نکات راهنمای قضات قرار گیرند.

۴.۱.۱. تفاوت موضوعی: موضوع مالکیت سنتی اعیان و منافع مال است که در واقع همگی اشیایی مادی و محسوس هستند. در رابطه شخص با این قبیل اشیاء پس از آنکه به شخص مالک توجه می‌گردد به خود این اشیاء به عنوان مملوک توجه می‌شود در واقع فرقی ندارد که مالک این اشیاء کیست چرا که ارزش و به اعتباری مالیت این اموال مربوط به قابلیت این اشیاء یا منافی است که از آن‌ها به دست می‌آید. در حالی که

موضوع مالکیت‌های فکری، آثار فکری است یعنی تراوشات ذهنی انسان! البته این آثار فکری باید واجد شرایط خاصی باشند که مشمول حمایت‌های قانونی گردند اما در هر صورت در این رابطه، پدیدآورنده نه با شیء مادی یا صورت خارجی ایده فکری خود بلکه با یک مفهوم ذهنی، تعلق مالکی دارد یعنی رابطه مالکیت بین یک اندیشه و صاحب اندیشه. برای مثال: هر یک از ما می‌توانیم در قالب یک عقد بیع مالک یک جلد دیوان حافظ شیرازی شویم. بین ما و این کتاب یک رابطه مالکیت سنتی برقرار است اما در درون این مالکیت ما برشی مادی بین پدیدآورنده یعنی حضرت حافظ و آنچه او در قالب غزل با ویژگی‌های خاص خود بیان داشته است یک رابطه مالکیت دیگری نیز برقرار است. ما می‌توانیم ادعا کنیم که صاحب یک جلد کتاب غزلیات حافظ هستیم اما به صرف این مالکیت نمی‌توانیم اشعار موجود در کتاب را از قول خودمان نقل کنیم و خود را مالک و آفریننده این اشعار بدانیم.

امروزه به هر گوشه منزلمان که نظری بیندازیم می‌توانیم این دو دسته مالکیت را در کنار هم مشاهده کنیم با این تفاوت که رابطه اول (مالکیت سنتی) به راحتی و از طریق اماره ید (تصرف) اثبات می‌شود در حالی که رابطه دوم (مالکیت فکری) صرفاً یک حق انتزاعی است که بین پدیدآورنده و ایده یا فکر وی ایجاد ارتباط و وی را مالک آن فکر معرفی می‌کند. موضوع مالکیت‌های فکری زمانی مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد که پدیدآورنده از حق عرضه اثر خود استفاده کند یعنی با حفظ تعلق معنوی اثر به خود، انتفاع از فکر خود را به فرد یا گروه یا جامعه واگذار کند یعنی ملاک حمایت عرضه یا انتشار اثر است و غالباً یک اثر فکری زمانی ارزش بالاتری پیدا می‌کند که در جامعه شناسایی شود و نفع آن بر همگان ثابت گردد. این در حالی است که در مالکیت سنتی وصف انحصاری بودن سبب می‌شود که مالک هیچ‌گاه اجازه تصرف از مال خود را به دیگران ندهد و مال خود را کنج خانه خود و به دور از دسترس عموم حفظ کند و در عین حال خیالش آسوده باشد که همواره قانون حامی وی است و از این رابطه حقوقی حمایت می‌کند.

بنیان‌های نظری این دو سیستم حقوقی منجر به دیدگاه‌های متفاوت در خصوص موضوع این مالکیت شده است.

۴.۱.۱.۱. **حق مؤلف در خانواده حقوق نوشته:** در خانواده حقوق رومی-ژرمنی (حقوق نوشته) این پدیده آورنده است که کانون توجه و حمایت قانون قرار دارد. گویا اثر، نمودی از روح و اخلاقیات آفریننده آن است. گفته می‌شود تقدس اثر به علت آفریننده آن است. در بررسی این تفکر باید به اندیشه‌های انسان‌گرایانه قرن ۱۸ نظر داشت؛ توجه به انسان و رعایت حرمت و منزلت انسانی سبب شده که حتی از آثاری که به نحو غیرمستقیم بیانگر منش انسانی هستند حمایت شود. شاپلیر (Chapelier) حقوق‌دان فرانسوی در سال ۱۷۹۳ در گزارشی که برای مجلس فرانسه در زمینه آفرینش‌های فکری تهیه کرده بود اعلام نمود «مالکیت ادبی، شخصی‌ترین و مشروع‌ترین نوع مالکیت است؛ زیرا اگر حق مالکیت عادی بر اشیاء و خارج از وجود انسان تعلق می‌گیرد که آدمی آن را تصرف می‌کند، مالکیت ادبی مرتبط با فکر انسان است که با خود او متحد است.» (امامی، ۱۳۸۶: ۱۵۵)

در نتیجه در نگاه این سیستم حقوقی بر جنبه اخلاقی این حق تأکید می‌شود و آن را از حقوق مربوط به شخصیت آفریننده تلقی می‌کند. حتی مبنای جرم‌انگاری در نقض حقوق معنوی پدید آورنده نیز لزوم حفظ احترام به شخصیت آفریننده اثر است. در سیر قانونی‌گذاری نیز این طرز تفکر وجود دارد چنانچه آنچه در ابتدا نقض حق تلقی شد خدشه به حقوق معنوی مؤلف از جمله: حق انتساب اثر، حق احترام به تمامیت اثر، حق اصلاح اثر، حق عرضه عمومی اثر و... است.

۴.۱.۱.۲. **کپی رایت در حقوق انگلیس:** در سیستم حقوق رویه‌ای (کامن لا) بر خلاف سیستم حقوق نوشته آنچه در ابتدا مورد توجه قرار گرفت حقوق مادی پدید آورنده بود «در واقع کپی رایت از منافع اقتصادی که پدید آورنده و بنگاه بهره‌برداری کننده از کپی رایت از آن برخوردارند، حمایت می‌کند؛ یعنی تکیه بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی و مالی این رابطه مالکیت. اصطلاح حقوق معنوی (اخلاقی) در ابتدا در انگلیس شناخته نشده بود و پدیدآورندگان در قبال نقض این دسته از حقوق خود به ناچار به قواعد عمومی مسئولیت مدنی، افترا، تدلیس و... متوسل می‌شدند.» (زرکلام، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

در واقع آنچه در این نظام حائز اهمیت و حمایت بود اثر فکری به عنوان یک مال

عادی بود یعنی این اثر بود که مضمول حمایت قانون قرار می‌گرفت نه پدید آورنده آن. این اختلاف در مبانی حمایت در کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به نمایش درآمده است. به نحوی که امروزه معاهده تریپس در راستای جلب نظر این سیستم حقوقی بر جنبه‌های اقتصادی آثار فکری نظر دارد. در حالی که معاهده برن بیش از هر چیز دغدغه حفظ حقوق اخلاقی برای حمایت از پدیدآورنده را مدنظر دارد.

۴.۱.۲. تفاوت در مدت حمایت: در مالکیت سنتی، قانون تا زمانی که مال باقی است از هر نوع رابطه مالکیت خصوصی نسبت به آن حمایت می‌کند. فلسفه این حمایت همانا از یک طرف به قاعده تسلیط «الناس مسلطون علی اموالهم» باز می‌گردد و از سوی دیگر به طبیعت اموال سنتی. استفاده از اموال مادی با نفع شخصی افراد گره خورده است و ماهیت این اموال به نحوی است که امکان بهره‌برداری عمومی از آن‌ها وجود ندارد در حالی که چنانچه مالکیت فردی به اموال فکری توسط قانون لغو شود این اموال به دسته اموال عمومی می‌پیوندند و همه افراد جامعه و حتی جهان می‌توانند از منافع اقتصادی - اجتماعی آن استفاده کنند. پدیدآورنده یک اثر هنری بدون استفاده از زمینه‌های علمی و تجربی که پس از طی سالیان دراز از عمر دانش و هنر نصیب وی شده است توانسته دست به خلق چنین آثاری بزند.

به قولی صغری هر فکر علمی و هنری حاصل یک عمر تلاش‌های علمی-هنری جامعه است؛ به عبارت دیگر نقش گسترده تجربه بشری در تجلی یک اثر سبب می‌شود پس از مدتی مالکیت بر حقوقی مادی آفریننده لغو شود و استفاده از منافع مادی اثر به جامعه بازگردد. همین قابلیت سبب شده که بر اساس قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ مدت حمایت از حقوق مادی پدیدآورندگان تا سی سال بعد از وفات آن‌ها تعیین شود.

۴.۱.۳. وصف انحصاری بودن در مالکیت‌های فکری: اینکه حق پدیدآورنده یک حق شخصی است سبب می‌شود همواره ردپایی از حضور وی را در این نوع مالکیت بر اموال مشاهده کنیم. همان‌طور که توضیح داده شد مالک با توسل به قید انحصاری بودن مالکیتش می‌تواند دیگران را از هر نوع تصرف در اموالش منع کند اما در اموال فکری

چنین وصفی به شکل سنتی خود اجرا نمی‌شود.

پدیدآورنده یک اثر ادبی می‌تواند حق مادی تکثیر اثر خود را برای مدت زمان معینی بر اساس قرارداد نشر به ناشر واگذار کند. طبق این قرارداد، ناشر، مالک حق تکثیر اثر می‌شود و بنابر وصف انحصاری بودن مالکیت وی، حق دارد دیگران را از تصرف در این حق منع کند. در حالی که مؤلف با دارا بودن حق معنوی استرداد اثر فکری، می‌تواند از ارائه اثرش به عموم جلوگیری کند و اصل لازم بودن عقود را زیر پا گذارد و اثرش را از ناشر مسترد دارد. این حق در ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن به رسمیت شناخته شده است.

۵. سؤالات پژوهش

- سؤال ۱: تا چه حد از تولیدات علمی و هنری بدون کسب مجوز کپی‌برداری می‌شود؟
- سؤال ۲: آیا رابطه‌ای بین استفاده غیرمجاز از تولیدات علمی مؤلفان و عکس‌العمل مشابه آنان وجود دارد؟
- سؤال ۳: تا چه حد قانون حق مؤلف ملی از حقوق مؤلفان و هنرمندان حمایت می‌کند؟
- سؤال ۴: تکثیر غیرمجاز بیشتر شامل کدام آثار می‌شود؟
- سؤال ۵: رعایت حق مؤلف تا چه حد بر رشد علمی، اقتصادی و فرهنگی کشور مؤثر است؟
- سؤال ۶: آیا به لحاظ احکام شرعی و اسلامی، افراد در تکثیر کتاب و سایر آثار هنری داخلی و خارجی احساس گناه می‌کنند؟
- سؤال ۷: کدام یک از قشرهای جامعه در ایران بیشتر مقید به رعایت حق مؤلف می‌باشند؟
- سؤال ۸: آیا از نظر نمونه مورد مطالعه سرقت ادبی از نوع سرقت‌های مادی به حساب می‌آید؟

سؤال ۹: از نظر قرآن کریم و فقه شیعه رعایت حق مؤلف تا چه حد ضروری است؟

سؤال ۱۰: آیا بین آراء فقهای مسلمان در رعایت حق مؤلف اختلاف وجود دارد؟

۶. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱. بین نظرات افراد مختلف جامعه پژوهش از نظر اعتقاد به رعایت حق مؤلف تفاوت وجود دارد.

فرضیه ۲. بین رعایت حق مؤلف و توسعه و رشد فرهنگی کشور ارتباط وجود دارد.

فرضیه ۳. بین رعایت قوانین حق مؤلف و نگرش‌های اسلامی ارتباط وجود دارد.

۷. روش و شیوه اجرای پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است زیرا هدف آن کاربرد نتایج در یک حوزه خاص است. همچنین یک تحقیق نظر سنجی و توصیفی - پیمایشی از یک جامعه خاص به شمار می‌آید. تعداد پاسخ‌دهندگان از طریق پست الکترونیک فقط ۵ نفر بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است در این مورد گزینه‌ها شامل بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم برای هر سؤال در نظر گرفته است که پاسخگویان یک گزینه را انتخاب نموده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به این نوع سؤالات برای گزینه‌های فوق به ترتیب عدد ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ در نظر گرفته شده است. جمع پاسخ‌های مربوط به هر کدام از نمونه‌های جامعه آماری در جداول مربوط گزارش شده است. برای به دست آوردن میانگین نظرات هر کدام از نمونه‌های پژوهش شامل طلاب، دانشجویان، استادان و افراد آزاد مجموع نظرات مربوط به هر گزینه در عدد مربوطه ضرب و حاصل هر کدام با یکدیگر جمع شده و مجموع به دست آمده بر تعداد فراوانی هر گروه تقسیم می‌شود. حاصل جمع به دست آمده میانگین نظرات هر گروه بر مبنای عدد ۵ است.

۸. جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان، استادان دانشگاه، طلاب، مؤلفان، هنرمندان و افراد متفرقه بوده است. پرسشنامه‌های چاپی فقط در سطح مشهد توزیع شده است. پرسشنامه از طریق گروه بحث الکترونیک کتابداران هم برای حدود ۲۰۰۰ نفر در سطح ایران فرستاده شده است که متأسفانه فقط ۵ نفر به آن پاسخ داده‌اند. حجم نمونه شامل ۸۴ نفر دانشجو، ۶۶ نفر استادان دانشگاه‌ها، ۳۰ نفر طلبه‌ها و ۲۶ نفر متفرقه (شامل مؤلفین، ناشران، هنرمندان و...) و جمعاً ۲۰۶ نفر است. با توجه به اینکه جامعه آماری شامل تعداد بسیار زیادی است و تعداد دقیق آن‌ها نامعلوم است، حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی مورگان و به تعداد ترتیبی تعیین شده است.

۹. ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. اطلاعات این پژوهش از طریق پرسشنامه که توسط محقق ساخته شده توزیع شده است. بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۱، ۳۲ درصد پاسخ دهندگان به پرسشنامه‌ها را اعضای هیات علمی، ۴۱ درصد را دانشجویان، ۱۴ درصد را طلبه‌ها و ۱۳ درصد را افراد علاقه مند به مسائل فرهنگی و متفرقه (آزاد) تشکیل می‌دهد.

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه آماری پژوهش براساس شغل

شغل	فراوانی	درصد فراوانی
استاد	۶۶	۳۲
دانشجو	۸۴۸	۴۱
طلبه	۳۰	۴
آزاد	۲۶	۱۳
مجموع	۲۰۶	۱۰۰

تلاش شد تا نظرات از بین هر دو جنسیت مختلف گرد آوری شود. به دلیل محدودیت های فرهنگی و اجتماعی، امکان گردآوری اطلاعات از زنان کمتر از مردان بوده است. جنسیت نمونه آماری در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی نمونه آماری پژوهش براساس جنسیت

نمونه آماری	جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
استاد	زن	۲۴	۳۷
	مرد	۴۰	۶۲
دانشجو	زن	۴۲	۵۱
	مرد	۴۱	۴۹
طلبه	زن	۸	۲۷
	مرد	۲۲	۷۳
علاقه مندان	زن	۷	۲۹
	مرد	۱۷	۷۱

۱۰. پاسخ به سوالات پژوهش و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

سوال ۱: تا چه حد از تولیدات علمی و هنری بدون کسب مجوز کپی برداری می‌شود؟ براساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۳، تعداد بسیاری (۴۳٪) از نمونه پژوهشی اعتقاد دارند که از کتاب یا مقالات تالیفی، بدون کسب اجازه، به میزان بسیار کم تکثیر و کپی برداری می‌شود. میانگین پاسخ‌های ارائه شده نشان دهنده آن است که طلبه‌ها و دانشجویان کمتر از بقیه نمونه آماری اعتقاد دارند که از تولیدات علمی بدون اجازه کپی برداری می‌شود. به نظر می‌رسد علی‌رغم اینکه بیشترین کپی برداری از کتاب و مقالات و سایر تولیدات علمی و هنری توسط دانشجویان و طلاب برای انجام کارهای کلاسی و درسی انجام می‌شود ولی آنان انجام این عمل را عادی و حق خود می‌دانند و

اعتقادی به این مساله ندارند که بایستی از صاحبان اثر برای کپی برداری و تکثیر تولیدات علمی آنان اجازه بگیرند.

براساس قوانین حق مؤلف فقط تعداد صفحات اندکی از هر کتاب یا مقاله را می توان تکثیر نمود. حتی اعضای هیات علمی و محققان نیز به این مساله اعتقاد دارند که می توان از تولیدات علمی به هر میزان کپی برداری نمود. در نتیجه کمتر از ۵۰٪ از نمونه مورد پژوهش اعتقاد دارند که تولیدات علمی بدون کسب مجوز تکثیر می شود. با توجه به قوانین موجود در ایران، تقریباً همه افراد کپی برداری و تکثیر کتاب، صفحات فشرده و آثار هنری را حق خود می دانند و معمولاً این احساس در افراد به وجود نمی آید که کار خلافی را مرتکب می شوند، در حالی که انجام چنین اعمالی بر اساس قوانین نین المللی، به عنوان جرم و تضییع حق دیگران به شمار می آید و پی گرد قانونی دارد. یعنی بیش از ۵۰٪ از مجموع پاسخگویان اعتقاد دارند که در ایران همه انواع کپی از مدارک، منابع و برنامه های رایانه ای به صورت قانونی انجام می شود. به نظر می رسد مرز بین انجام کپی برداری قانونی و غیر قانونی در ایران بهم ریخته است و تکثیر و کپی برداری حق مسلم کاربر می باشد.

سوال ۲: آیا بین استفاده غیر مجاز از تولیدات علمی مولفان و عمل مشابه آنان رابطه ای وجود دارد؟

مولفان و عمدتاً اعضای هیات علمی که دارای تالیفات نسبتاً بیشتری از سایر اعضا نمونه پژوهش هستند، اعلام داشته اند که از تالیفات دیگران بدون اجازه کپی برداری می کنند. براساس اطلاعات تهیه شده، اعضای هیات علمی در تکثیر کتاب دیگران میانگین ۱/۹۱ از ۵ نمره را اعلام داشته اند. سایر اعضا نمونه پژوهش نیز میانگین نسبتاً مشابهی را اعلام داشته اند. طلبه ها کمترین میانگین (۱/۴۲) در استفاده بدون اجازه از کتاب های تالیفی دیگران را اعلام داشته اند. به نظر می رسد با توجه به مقید بودن طلبه ها به مسائل حق و حقوق دیگران، به ویژه حق الناس، خود را مقید به کسب اجازه از مؤلف می دانند و ترجیح می دهند نسخه اصلی کتاب ها را، علی رغم هزینه بیشتر،

خریداری و یا از کتابخانه استفاده نمایند. معمولاً کپی کتاب‌ها با توجه به یارانه‌های اختصاص یافته به دانشجویان و طلبه‌ها ارزان‌تر از خرید اصل کتاب می‌باشد که آن دسته از افراد که مقید به رعایت حق مولف نیستند ترجیح می‌دهند از کتاب‌ها کپی برداری کنند.

ضمناً به همان نسبت که مولفین در سوالات پرسشنامه اعلام داشته‌اند که از تالیفات آن‌ها بدون اجازه کپی برداری و تکثیر شده است، آن‌ها نیز از منابع دیگران بدون کسب مجوز کپی برداری کرده‌اند. بنابراین در پاسخ به سوال پژوهش باید اعلام داشت که رابطه مستقیمی بین استفاده غیرمجاز از تولیدات علمی در بین جامعه مولفان در ایران وجود دارد و انجام این کار را به صورت یک عکس‌العمل منطقی در برابر استفاده غیرمجاز از تالیفات خود می‌دانند.

سوال ۳: قانون حق مولف در ایران تا چه حد از حقوق مولفان و هنرمندان حمایت می‌کند؟

بیش از ۵۰٪ از پاسخگویان براین عقیده هستند که قانون حق مولف در ایران در حد بسیار کم اجرا می‌شود و در صورت شکایت مولفان و هنرمندان از تضییع حق خود، قانون عملاً از آن‌ها به طور کامل حمایت نمی‌کند. میانگین ارائه شده توسط نمونه پژوهش در جدول ذکر شده (۱/۸ از ۵) گویای واقعیت تلخ کپی برداری غیرمجاز از آثار فکری و هنری است.

همانند سایر حقوق اجتماعی دیگر پی‌گیری حقوق افراد در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته معمولاً به کندی و به طور ناقص انجام می‌شود، به طوری که افراد پس از طی روند طولانی مراحل اجرای قانون ترجیح می‌دهند از شکایت قانونی خود صرف نظر کنند. البته این مساله در بسیاری از حقوق شهروندی دیگر نیز در ایران مشاهده می‌شود که ضروری است برای رسیدن به یک جامعه مدنی و قانون مدار نسبت به پی‌گیری حقوق قانونی افراد رسیدگی جدی‌تر و سریع‌تری انجام شود. الگوهای اجرا شده در کشورهای توسعه یافته و نهادهای دولتی در آن جوامع می‌تواند در اجرا و

بهبود قوانین و آشنا کردن افراد جامعه با حقوق خود و رعایت حقوق دیگران مفید باشد. البته مسائل فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و تاریخی بحث‌های مهمی هستند که در اجرای قوانین نباید از نظر دور بمانند. ضمناً نهادینه شدن اجرای قوانین نیاز به زمان دارد که باید مدنظر قرار گیرد.

رعایت حق مؤلف برای استفاده از منابع فارسی وضعیت نسبتاً مشابهی با منابع غیر فارسی را دارد. اطلاعات ارائه شده در جدول جدول ۶ مشابه کتاب‌های لاتین است که از ارائه آن صرف نظر می‌شود.

سوال ۴: تکثیر غیرمجاز بیشتر شامل کدام آثار می‌شود؟

مجموع پاسخ‌های ارائه شده در پژوهش نشان دهنده آن است که تکثیر غیرمجاز فیلم و برنامه‌های رایانه‌ای به ترتیب با ۶۰ و ۵۱ درصد بیشترین فراوانی را داراست. تکثیر غیرمجاز مقالات و آهنگ‌ها نیز با حدود ۵۰٪ در مرحله بعدی قرار دارد. فقط در مورد تکثیر غیرمجاز نقاشی عدد ۵٪ اعلام شده است که نشان دهنده آن است که در مورد این هنر عمل غیرقانونی کمتر انجام می‌شود. پاسخ به این سوال تأیید سوالات قبل نیز می‌باشد زیرا درصد بالایی از پاسخ‌گویان اذعان داشته‌اند که تکثیر غیرمجاز و خلاف قانون در مورد اکثر تولیدات علمی و هنری صورت می‌گیرد. البته آمارهای ارائه شده اعداد بسیار بالایی را نشان می‌دهد، چون اگر این آمارها در مورد قتل، سرقت، تخلفات رانندگی، قانون شکنی و غیره انجام شود، نشان دهنده یک موقعیت بحرانی در جامعه است. برای مثال اگر آمارها نشان دهد که بیش از ۵۰٪ رانندگان، قوانین راهنمایی و رانندگی را نقض می‌کنند و یا سرقت اموال و سایر تخلفات را عمل ناپسند نمی‌دانند و یا عدم رعایت قوانین کشور را مجاز می‌دانند، نشان دهنده وضعیت بحرانی در یک جامعه است. بنابراین نظرات نمونه‌های آماری پژوهش که شامل افراد فرهنگی و اجتماعی و مقید به قوانین شرعی و اجتماعی است موید واقعیت تلخی است که لازم است در مورد آن چاره اندیشی شود. رعایت قوانین و حقوق مولفین و هنرمندان

مساله‌ای است که باید هر چه سریعتر نسبت به اصلاح و پی‌گیری آن اقدام قانونی به عمل آید.

سوال ۵: رعایت حق مولف تا چه حد بر رشد علمی، اقتصادی و فرهنگی کشور موثر است؟

با مراجعه به جداول و ضوح میانگین بالای اکثر گروه‌های پاسخگویان را می‌توان مشاهده کرد. به طوری که میانگین کل ۴/۰۳ از نمره ۵ در پاسخ به سوالات اعلام شده است. بسیار جالب است بدانیم علی‌رغم اینکه در اکثر موارد پاسخگویان اعلام داشته‌اند از منابع مختلف کپی‌برداری غیرمجاز داشته‌اند همچنین حقوق آنان نیز در این رابطه مورد استفاده غیرمجاز قرار گرفته است؛ اکثرا با اطمینان بالا (۳۵٪)، بیشترین فراوانی را به گزینه بسیار زیاد سوالات اعلام داشته‌اند. در این سوالات از پاسخگویان خواسته شده است تا نظر خود را در مورد تاثیر عدم رعایت حق مولف بر کاهش رشد اقتصادی، علمی و فرهنگی کشور اعلام دارند، که به میزان زیادی (میانگین بالاتر از ۴) اعلام داشته‌اند، که نقض حقوق مولف تاثیر منفی بر رشد و توسعه کشور دارد.

حال باید به این مساله عمیق‌تر پرداخته شود. زیرا در حالی که جامعه مورد پژوهش اکثرا اعتقاد دارد که برای ارتقاء جایگاه علمی، فرهنگی و اقتصادی کشور، ضروری است قانون حق مولف ملی و بین‌المللی در ایران به طور کامل پذیرفته و اجرا شود، چه کسانی و چه عقیده‌ای ایران را از پیدا کردن جایگاه واقعی خود و بدست آوردن قله‌های پیشرفت و ترقی باز می‌دارد. باید با عزمی راسخ برای اجرای قوانین ملی و بین‌المللی دست به کار شد و رعایت و تن دادن به قوانین در جامعه ایران را به صورت نهادینه در آورد.

سوال ۶: آیا به لحاظ احکام شرعی و اسلامی، افراد در تکثیر کتاب و سایر آثار هنری داخلی و خارجی احساس گناه می‌کنند؟

در اسلام رعایت حقوق دیگران بسیار تاکید شده و معمولا مسلمانان کمتر به حقوق دیگران تعدی می‌کنند. افتخار مسلمانان در مقایسه با ادیان و مسلک‌های دیگر

این است که حقوق افراد را رعایت می‌کنند و به‌ویژه رعایت حق‌الناس را بسیار ضروری می‌دانند. به همین دلیل میانگین تقریباً ۳/۷ از ۵ نمره را در مجموع نظرات مربوط به این موضوع را اعلام داشته‌اند، که تقریباً میانگین بالایی است. البته، حتی بیشتر از میانگین اعلام شده از مسلمانان انتظار است، زیرا به صراحت پرسیده شده که در کپی و تکثیر یک منبع داخلی و یا خارجی بدون اجازه مؤلف تا چه حد احساس گناه می‌کنید. یعنی برای مثال اگر از شما بپرسند از اینکه دروغ می‌گویید چقدر احساس گناه می‌کنید، انتظار این است که پاسخ دهید دروغ عمل ناشایستی است و به صورت صددرصد احساس گناه می‌کنم. ولی پاسخ‌های ارائه شده به این سوال درصد بالا را نشان نداده است. بیش از ۲۱٪ از پاسخگویان اعلام داشته‌اند که به میزان کم و بسیار کم از تکثیر غیر مجاز احساس گناه می‌کنند. بنابراین ضروری است مطالعه بیشتری در این زمینه انجام شود تا مشخص شود آیا مشکل در فهم و عمل به اعتقادات مذهبی و شرعی است و یا اینکه حقی است که افراد برای خود در تکثیر و کپی‌برداری از منابع قائل هستند. گروهی از افراد اعتقاد دارند که استفاده از تولیدات علمی و هنری خارجی‌ها و به‌ویژه کفار که مشکلات زیادی را برای مسلمانان ایجاد کرده‌اند مجاز می‌باشد.

سوال ۷: کدام یک از گروه‌های مختلف جامعه در ایران بیشتر مقید به رعایت حق مؤلف می‌باشند؟

بسیار طبیعی است که قشرهای مختلف جامعه با توجه به آگاهی‌ها، اعتقادات و موفقیت‌های اجتماعی نسبت به رعایت حق مؤلف واکنش‌های متفاوتی دارند. براساس نظرات پاسخگویان پژوهش بیشترین رعایت حق مؤلف از طرف جامعه مولفان با تقریباً ۵۶ درصد اعلام شده است. کمترین درصد تعهد نیز مربوط به دانشجویان با ۳/۳ درصد گزارش شده است. هیچ‌کدام از پاسخگویان گزینه مردم عادی را در مجموع گزینه‌های پرسشنامه انتخاب نکرده‌اند. به عبارت دیگر افراد عادی اصلاً مقید به رعایت حق مؤلف نمی‌باشند. البته با توجه به اینکه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌های لازم از طرف مسئولین

نهادهای فرهنگی و اجتماعی به این قشر از جامعه کمتر صورت می‌گیرد، طبیعی است که آن‌ها نیز خود را مقید به رعایت حق مولف نمی‌دانند. روحانیون نیز پس از مولفان براساس نظرات پاسخگویان بیشترین تعهد به رعایت حق مولف در ایران را دارند. در مورد هنرمندان نیز فقط حدوداً ۱۵ درصد از آنان متعهد به رعایت حق مولف هستند. استفاده از آهنگ، موسیقی، فیلم و تکثیر و کپی‌برداری غیرمجاز از تولیدات هنری در بین این قشر از جامعه نیز ظاهراً و براساس اعلام پاسخگویان رواج دارد. اگر نظر پاسخگویان در مورد استفاده غیرمجاز مطالب و نوشته‌های دیگران و عدم رعایت حق مولف درست باشد، باید گفت که این درصد (۳/۳٪) افراد کم تعهد قابل تامل است و باید علت این امر به صورت عمیق بررسی و مطالعه شود. به نظر می‌رسد افزایش بیش از حد تعداد دانشجویان در سال اخیر و عدم توجه کافی اعضای هیات علمی به صحت کارهای عملی دانشجویی به دلیل درگیر شدن در مسائل پژوهشی و نوشتن مقاله و علت اصلی این مساله باشد.

سوال ۸: آیا از نظر نمونه مورد مطالعه سرقت ادبی از نوع سرقت‌های مادی به حساب می‌آید؟

براساس نظر قانون‌گذاران و مسائل مربوط به مالکیت، بین مالکیت فکری و مادی اختلافی وجود ندارد. به همان نسبت که تعرض به مالکیت مادی افراد مورد نکوهش است و پی‌گرد قانونی دارد، تعرض به مالکیت فکری افراد نیز قابل پی‌گیری است. براساس اطلاعات ارائه شده، تمامی نمونه پژوهش با درصد نسبتاً بالایی اعلام داشته‌اند که سرقت ادبی همانند سرقت مادی است. برای میانگین گزینه‌های مربوط به این سوال عدد تقریباً ۳/۵ از ۵ ثبت شده است. به عبارت دیگر اکثریت نمونه مورد پژوهش اعلام داشته‌اند که سرقت ادبی همانند سرقت مادی است. در این بین حدوداً ۶۰٪ از پاسخگویان گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد را انتخاب کرده‌اند، که بازگو کننده این واقعیت است که بیش از ۶۰٪ دانشجویان، طلاب، اعضای هیات علمی و افراد متفرقه معتقدند سرقت ادبی از نوع سرقت مادی است و باید مورد پی‌گیری قانونی قرار گیرد.

به عبارت دیگر هیچ تفاوتی بین سارقی که مالی را از منزل و یا ماشین شما به سرقت می برد و فردی که مطالبی را بدون کسب اجازه تکثیر و کپی برداری می کند نمی باشد. یعنی قانونا باید با این دو گروه به صورت یکسان برخورد شود و هر دو گروه مورد مجازات های قانونی قرار گیرند. ولی در جامعه ما عملا این دو خطا معادل هم نیستند و روزانه شاهد هستیم که خطا و سرقت های فراوان در حوزه مالکیت فکری و تکثیر غیرمجاز آثار هنری و علمی صورت می گیرد و هیچ کدام از آنان مورد پی گرد قانونی قرار نمی گیرند. پس ضروری است تا یکسان بودن سرقت ادبی و سرقت مادی برای آحاد مردم جامعه توضیح داده شود و به عبارتی در این مساله تفهیم شوند تا چنانچه مورد پی گرد قانونی قرار گرفتند، اظهار بی اطلاعی از قانون نکنند.

سوال ۹: رعایت حق مؤلف از نظر قرآن کریم و فقه شیعه تا چه حد ضروری است؟

قرآن کریم در آیات مختلف مسلمانان را به رعایت حقوق دیگران وادار نموده است. رعایت حقوق دیگران ارتباطی به مسلمان بودن افراد ندارد و باید حقوق همه افراد اعم از مسلمان و غیر مسلمان توسط مسلمانان رعایت شود. لذا مسلمانان معمولا در این زمینه بسیار مقید هستند و حفظ حقوق دیگران را بر خود واجب می دانند. فقه شیعه نیز در این زمینه بسیار مقید است و شیعیان همیشه موظف به رعایت حقوق دیگران از جمله حق مؤلف شده اند. پاسخگویان نمونه پژوهش عمدتا به این مساله واقف هستند که قرآن و فقه شیعه افراد را موظف به رعایت حق مؤلف دانسته اند. براساس اطلاعات ارائه شده، ۷۹/۳٪ از پاسخگویان گزینه بسیار زیاد را در مورد رعایت حق مؤلف از طرف قرآن اعلام داشته اند. میانگین پاسخها نیز عدد ۴/۷۵ از ۵ نمره اعلام شده است که عدد بسیار بالایی است. یعنی تقریبا به صورت ۱۰۰٪ می توان اعلام داشت که افراد نمونه پژوهشی، رعایت حق مؤلف از طرف قرآن را کاملا ضروری دانسته اند. در بین نمونه پژوهشی، طلاب با میانگین ۴/۸۴ از ۵ بیشترین میانگین را ارائه کرده اند. به تعبیر دیگر طلاب بیشتر از سایرین اعتقاد و اطلاع دارند که رعایت حق مؤلف از طرف قرآن کریم ضروری می باشد.

در مورد فقه شیعه نظرات تقریباً معادل نظرات در مورد قرآن کریم است، به طوری که میانگین کل نمره پاسخگویان عدد ۴/۵۶ از ۵ نمره باشد. به عبارت دیگر و براساس اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌ها اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان اعلام داشته‌اند که رعایت حق مولف از طرف فقه شیعه نیز تأکید شده است. فقط ۱، ۲، ۳ درصد از پاسخگویان به ترتیب اعلام داشته‌اند که رعایت حق مولف از نظر فقه شیعه میزان بسیار کم، کم و تا حدودی ضروری نمی‌باشد. ۹۴٪ از پاسخگویان نیز اعلام داشته‌اند که فقه شیعه رعایت حق مولف را ضروری می‌داند.

با توجه به نتایج و اطلاعات ارائه شده در جداول و ارائه نظرات پاسخگویان به نظر می‌رسد نمونه پژوهشی و در نتیجه جامعه پژوهشی از اینکه عدم رعایت حق مولف از نظر قرآن و فقه شیعه دارای اشکال است آگاهی دارند، ولی عملاً این قانون در جامعه رعایت نمی‌شود. به نظر می‌رسد باید قانون‌گذاران این حوزه شرایط سخت‌تری را برای قانون‌گیران و کسانی که به حقوق دیگران احترام نمی‌گذارند فراهم آورند. خط قرمزها در این زمینه باید بسیار جدی‌تر تعریف شود تا همگان از پی‌گیری مجریان قانون اطلاع یافته و نسبت به رعایت حق مولف مقید شوند.

البته نمونه آماری بر ضرورت جدی رعایت حق مولف برابر اطلاعات ارائه شده در جدول ۱۵ تأکید دارند.

بیشترین فراوانی درباره تدوین قوانین جدی جهت حمایت از مولف نسبت به تکثیر غیر مجاز کتاب تالیفی با میانگین ۲/۹ از ۵ مربوط به طلبه‌ها و کمترین فراوانی با میانگین ۱/۹۸ مربوط به استادان است. بیشترین درصد فراوانی (۳۵٪) مربوط به پاسخ تا حدودی و کمترین درصد فراوانی (۱٪) مربوط به پاسخ بسیار زیاد است. مجموع میانگین کل نظرات نیز ۲/۳۶ از ۵ می‌باشد.

سوال ۱۰: آیا بین آراء فقهای مسلمان در مورد رعایت حق مولف اختلاف وجود دارد؟ برخلاف قوانین استخراج شده از قرآن؛ بین فقهای مسلمان در بعضی موارد شرعی اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر ناشی از برداشت فقها و روح آزادی و

استقلال در بیان فتوی هر کدام از فقهای مسلمان است. به نظر می‌رسد نمونه آماری نیز به این مساله واقف هستند و براساس آنچه در بخش مبانی نظری ارائه شده فقهای مسلمان نظرات مختلفی در رعایت حق مؤلف ملی و بین‌المللی ارائه کرده‌اند. مجموعاً ۲۷ درصد پاسخگویان اعلام داشته‌اند که به میزان بسیار زیاد و زیاد بین فقهای مسلمان در رعایت حق مؤلف اختلاف نظر وجود دارد. ۳۱ درصد اعلام داشته‌اند که تا حدودی این اختلاف نظر وجود دارد. ولی ۲۵ و ۱۷ درصد به ترتیب اعلام داشته‌اند که به میزان کم و بسیار کم بین فقهای مسلمان اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به اطلاعات ارائه شده در بخش‌های قبلی مبنی بر اختلاف نظر بین فقهای مسلمان در رعایت قانون حق مؤلف، چنین به نظر می‌رسد همه پاسخگویان اطلاع زیادی از فتوای فقهای مختلف مسلمان ندارند. میانگین کل اعلام شده از سوی پاسخگویان نیز ۲/۷۷ از ۵ می‌باشد که بیان‌کننده این واقعیت می‌باشد. مجموعاً براساس نظر پاسخگویان حدوداً نیمی از فقهای مسلمان در رعایت حق مؤلف اختلاف نظر دارند. ضمناً میانگین نمرات طلاب بیشتر از سایر پاسخگویان است (۲/۹۲ از ۵) که نشان دهنده این واقعیت است که آن‌ها بیشتر از سایرین از فتوی علمای مسلمان در زمینه رعایت حق مؤلف اطلاع دارند.

۱۱. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

بر اساس اطلاعات ارائه شده در طول مقاله و بر اساس نظرات صاحب‌نظران مختلف، به نظر می‌رسد قانون حق مؤلف در ایران اسلامی به صورت جدی پی‌گیری و رعایت نمی‌شود و مؤلفان و صاحبان هنر و اندیشه از عدم اجرای قوانین وضع شده رنج می‌برند. ضروری است حق مالکیت فکری افراد در ایران اسلامی به طور کامل رعایت شود تا در آینده شاهد رشد و توسعه تولیدات علمی و هنری از اشکال مختلف باشیم. برای رسیدن به این هدف پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. نظر به اینکه در حال حاضر لایحه قانون جدید حمایت از مالکیت ادبی و هنری در دست بررسی است، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با لحاظ پیشینه نظام حقوقی ایران و

- در عین حال با تاکید بر دیدگاه های مترقی تحلیل اقتصادی حقوق، نسبت به تعیین فلسفه حاکم بر حقوق مادی و معنوی مولف تعیین تکلیف نماید.
۲. جرم انگاری نقض حقوق مادی و معنوی مولف می بایست با اندیشه های جرم شناسی بویژه دکترین عدالت ترمیمی مطابقت داشته باشد. بدون تردید بدون توجه به بستر فرهنگی و استفاده از نتایج آمای در نظر گرفتن مجازات به هر عنوانی برای ناقضین حقوق مولف نمی تواند در کاهش آمار چنین جرایمی موثر افتد.
۳. به منظور کاهش نقض حقوق مولف اعم از حقوق مادی و معنوی مهم ترین ابزار استفاده از روش های فرهنگی و تربیتی است و توسل به ابزارهای حقوقی و کیفری باید به عنوان طریق نهایی تلقی شود.
۴. در توسل به ابزارهای حقوقی گسترش دانش قضات در حوزه مالکیت های فکری و برقراری شعب تخصصی در کل کشور جهت رسیدگی به پرونده های مربوطه از اصلاح قانون اهمیت بیشتری دارد.
۵. با توجه به اینکه افراد عادی بیشتر از سایرین حق مولفرا رعایت نمی کنند، ضروری است اطلاع رسانی و آگاهی های لازم از طرف مسئولین نهادهای فرهنگی و اجتماعی به این قشر از جامعه کمتر صورت می گیرد.
۶. با توجه به اینکه جامعه مورد پژوهش اکثرا اعتقاد دارند که برای ارتقاء جایگاه علمی، فرهنگی و اقتصادی کشور، ضروری است قانون حق مولف ملی و بین المللی در ایران به طور کامل پذیرفته و اجرا شود، پیشنهاد می شود نظرات آنان مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- امامی، اسدالله (۱۳۸۶). **حقوق مالکیت معنوی**. جلد اول، تهران: نشر میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). **ترمینولوژی حقوق**. تهران: نشر گنج دانش.
- رئیس، لیلا (۱۳۸۸). **نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی**. تهران:

انتشارات جنگل.

زرکلام، ستار (۱۳۸۷). **حقوق مالکیت ادبی و هنری**. تهران: انتشارات سمت.
صفایی، سید حسین (تابستان ۱۳۵۰). «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان». **نشریه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**.

صفایی، سید حسین (زمستان ۱۳۸۷). **اشخاص و اموال**. تهران: نشر میزان.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). **اموال و مالکیت**. تهران: نشر میزان.
میر حسینی، سید حسن (۱۳۸۵). **فرهنگ حقوق مالکیت معنوی**. جلد دوم، تهران: نشر میزان.

